

سازمان همکاری‌های شانگهای و نقش مؤثر ایران در عرصه حمل و نقل، ارتباطات و انرژی

سازمان همکاری‌های شانگهای تاکنون دو عملکرد امنیتی - سیاسی و توسعه اقتصادی را هدف قرار داده و سعی نموده که با همکاری اعضا درصد تحقق این اهداف برآید. جمهوری اسلامی ایران در هر دو بعد قابلیت و ظرفیت‌های لازم را دارا می‌باشد. محتوای گزارش به این بحث مهم و سهم و نقش ایران در شانگهای می‌پردازد.

بین‌الملل و اقتصاد جهانی دارد. با توجه به تحولات اقتصاد جهانی، رقابت کشورهای تازه صنعتی شده آسیا با سایر قدرت‌های اقتصادی جهان و نیاز روزافزون مجموع این کشورها به انرژی (نفت و گاز) و تأمین امنیت آن، به نظر نمی‌رسد در دو دهه آینده، از نقش نفت و گاز در اقتصاد جهانی کاسته شود. در این میان، ایران به‌عنوان یکی از مهم‌ترین تولیدکنندگان انرژی در جهان در سطوح امنیت جهانی انرژی و هم‌گرایی آسیایی نقش تعیین‌کننده‌ای را بر عهده دارد.

مهم‌ترین منابع انرژی جمهوری اسلامی ایران نفت و گاز

ایران یکی از مطرح‌ترین کشورهای جهان از لحاظ حجم ذخایر تأیید شده نفتی است. این کشور در منطقه‌ای واقع شده که دارای ذخایر غنی انرژی است. واقع شدن ایران در خاورمیانه و وجود ذخایر غنی نفت و گاز در این منطقه یکی از مسائل با اهمیتی است که باید در مقایسه با

ایران در بعد سیاسی زمینه‌های مناسبی برای همکاری با شانگهای دارد و عضویت در آن با سیاست اصولی ایران در افزایش همکاری با همسایگان و سازمان‌های اقتصادی منطقه‌ای و بین‌المللی همخوانی دارد. در کنار موقعیت ژئوپلتیک و ظرفیت‌های سیاسی، جمهوری اسلامی ایران با توانمندی‌های اقتصادی و امکان بهره‌گیری از ذخایر و مسیرهای انتقال انرژی، نقش ویژه‌ای به این کشور در رابطه با سازمان همکاری‌های شانگهای داده است.

در این گزارش ابتدا به انرژی و مهمترین ذخایر آن در ایران، سپس به حمل و نقل انرژی و راه‌های ارتباطی ایران، روابط اقتصادی جمهوری اسلامی ایران با اعضا و ناظرین سازمان همکاری‌های شانگهای اشاره خواهد شد و در خاتمه به جمع‌بندی موضوع خواهیم پرداخت.

انرژی

درخصوص انرژی باید گفت انرژی کالایی راهبردی است که تأمین و امنیت آن نقشی کانونی در امنیت

وضعیت اقتصادی ایران با دیگر کشورهای جهان مدنظر قرار گیرد. خاورمیانه ۶۶ درصد از ذخایر گازی جهان را در خود جای داده است و در میان کشورهای این منطقه ایران دارای جایگاه خوبی است.

ایران با داشتن ۱۳۸/۴ میلیارد بشکه، برابر با ۱۹ میلیارد تن نفت، ۱۱/۲ درصد از ذخایر جهانی نفت را به خود اختصاص داده است و با توجه به میزان تولید سالانه ۱/۶ میلیارد بشکه در سال ۲۰۰۷ (۵/۴۴ درصد از تولید نفت جهانی) ۸۶ سال دیگر نفت خواهد داشت و همچنان در جایگاه دوم جهان پس از عربستان قرار خواهد گرفت.

درخصوص ذخایر گاز باید گفت که ایران با تولید ۲۷/۸ تریلیون متر مکعب (۳۸ درصد ذخایر گاز خاورمیانه و ۱۵/۷ درصد ذخایر گاز جهان) دارای مقام اول در خاورمیانه و مقام دوم در جهان می‌باشد. آمارها نشان می‌دهد ۶۲ درصد از ذخایر گاز طبیعی ایران در مناطقی است که هنوز مورد بهره‌برداری قرار نگرفته است. سازمان اطلاعات انرژی میزان تولید و مصرف گاز طبیعی ایران در سال ۲۰۰۶ میلادی را ۳/۶ میلیارد فوت مکعب در روز اعلام کرده است. این در حالی است که تولید گاز طبیعی در ایران در سال‌های گذشته سیر فزاینده داشته است.

انرژی الکتریکی

انرژی برق در هر کشوری زیربنای توسعه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی آن کشور محسوب می‌شود به طوری که رشد انرژی الکتریکی به عنوان شاخصی جهت اندازه‌گیری رشد تولید ناخالص داخلی ارزیابی می‌گردد. در ایران به دلیل برخورداری از منابع سوخت ارزان، وجود نیروی متخصص و سرمایه‌گذاری متناسب و نیاز مصرف روزافزون، انرژی الکتریکی در طول ۳۰ سال گذشته رشد چشمگیری داشته است. از طرفی ایران از نظر طبیعی و سیاسی در موقعیت جغرافیایی بسیار ویژه‌ای قرار گرفته است. عملاً پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و

شکل‌گیری کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز ایران با هفت کشور مرز مشترک دارد که این کشورها در طول سال بعضاً دارای انرژی مازاد بوده و کمبود انرژی دارند. در این میان ایران به عنوان کشوری نسبتاً پهناور می‌تواند با کشورهای مذکور در زمینه انرژی الکتریکی همکاری داشته باشد. در این رابطه باید گفت که جمهوری اسلامی ایران و برخی از کشورهای منطقه از جمله ترکمنستان، تاجیکستان، ارمنستان و جمهوری خودمختار نخجوان در منطقه قفقاز همکاری‌های خوبی را در بخش انرژی برق آغاز کرده‌اند. در حال حاضر خرید، انتقال و مبادله برق در جریان است و سرمایه‌گذاری‌های هنگفتی جهت ایجاد زیرساخت‌های لازم این بخش انجام شده و امید است در آینده شبکه خطوط انتقال برق ایران به شبکه عمومی کشورهای مشترک‌المنافع و روسیه وصل و بازار مبادلات برق در منطقه را رونق دوچندان بخشد.

ترانزیت و حمل و نقل

قرار گرفتن جمهوری اسلامی ایران بین دو حوزه بسیار مهم دریای خزر و خلیج فارس، اهمیت ژئوپلیتیک، استراتژیک و ژئواکونومیک خاصی به ایران بخشیده است. این نقش در زمینه‌های سیاسی به لحاظ تضمین صلح و ثبات و حل و فصل مناقشات اهمیت انکار ناپذیری دارد. این موقعیت به لحاظ جغرافیایی چنان جایگاهی به ایران بخشیده است که در حمل و نقل و تبادل کالا و خدمات اعم از جاده‌ای، ریلی، دریایی و حتی هوایی بین دو حوزه شمال و جنوب، شرق و غرب و همچنین انتقال انرژی، نقش بی‌بدیل و غیر قابل‌هموردی داشته است.

جمهوری اسلامی ایران دارای ۶۴۰۰ کیلومتر مرز ساحلی با خزر و ۱۲۰۰ کیلومتر با خلیج فارس است که مشرف بر تنگه هرمز بوده و روزانه ۱۱ میلیون بشکه نفت از آن صادر می‌شود.

جمهوری اسلامی ایران به دلیل موقعیت جغرافیائی منحصر به فرد و داشتن زیر ساخت‌های مناسب و تجربه بلند مدت در امور نفت و گاز کوتاهترین، امن‌ترین و ارزان‌ترین مسیر انتقال انرژی محسوب می‌شود.

راه‌های آبی: اهمیت ایران در خلیج فارس به حدی است که بدون استفاده از ایران و راه‌های آبی و خاکی که جزو قلمرو سیاسی و جغرافیایی ایران است، منابع انرژی چندان راه به جایی نخواهد داشت و این ایران است که به دلیل داشتن موقعیت ممتاز سوق الجیشی و استراتژیکی، دارای بهترین راه‌های انتقال نفت و گاز از کشورهای صادرکننده به کشورهای مصرف‌کننده می‌باشد. تنگه هرمز آبراهی است که خلیج فارس را از راه دریای عمان به اقیانوس هند متصل می‌سازد.

ایران مانند پلی بین خلیج فارس، قفقاز و کشورهای اروپایی بوده و اقدامات لازم را برای افزایش روند مبادلات به عمل می‌آورد. موقعیت ممتاز ایران جهت انتقال انرژی هنگامی تکامل می‌یابد که بسیاری از کشورهای همسایه ایران و یا در نزدیکی ایران، به عنوان عمده‌ترین مصرف‌کنندگان نفت و گاز نگاه خود را جهت استفاده از این انرژی تنها به طرف ایران متوجه نموده‌اند، زیرا ایران دارای امن‌ترین و نزدیک‌ترین راه‌ها به منابع انرژی بوده و مسیر انتقال آن نیز از نظر عوارض طبیعی، مناسب‌ترین مسیر از نظر انتقال نفت و گاز و صرفه جویی در پول و زمان و همچنین ایمنی صنعتی است. ایران حتی با استفاده از خطوط لوله می‌تواند، نفت و گاز خلیج فارس را به سواحل دریای خزر انتقال دهد، ضمناً ایران توانسته تاکنون حدود ۵ میلیون بشکه نفت کشورهای حاشیه دریای خزر را در نکا دریافت و از طریق خلیج فارس همین میزان نفت را برای آنها صادر کند.

بنادر: ایران با دارا بودن بیش از ۵۰ میلیون تن ظرفیت بندری، حدود ۱۵ میلیون تن ظرفیت مازاد بر نیاز دارد که

می‌تواند در راستای مبادلات منطقه‌ای بین شمال و جنوب در اختیار همسایگان قرار دهد. ثبات و امنیتی که در ایران حاکم است این کشور را به امن‌ترین کریدورهای ترانزیت کالا تبدیل کرده است. ایران توانایی آن را دارد که در بنادر جنوبی خود به هر میزان ظرفیت مورد نیاز کشورهای آسیای مرکزی و افغانستان ظرفیت بندری در اختیار بگذارد و حتی اسکله‌هایی را با مشارکت آنها، ایجاد و به اجاره به آنها واگذار نماید.

بنادر دریایی ایران در جنوب شامل بندرعباس، بندر امام، خرمشهر و چاه‌بهار می‌باشد که ضمن اتصال به شبکه راه‌های زمینی به شبکه راه آهن ایران و آسیای مرکزی نیز متصل می‌باشند.

مهمترین بنادر شمال کشور نیز امیرآباد و انزلی می‌باشند. بندر امیرآباد حلقه طلایی دالان بین‌المللی ترانزیت شمال - جنوب، دسترسی به بازارهای بزرگ آسیای مرکزی را پدید آورده است. مهمترین مزیت این بندر دسترسی به راه آهن سراسری و ارتباط نزدیک با کشورهای محصور در خشکی آسیای مرکزی می‌باشد.

بندر انزلی نیز از بنادر شمالی ایران دارای مزیت‌های زیر است: وجود راه‌های ترانزیتی و ارتباطی با شهرهای کشور و کشورهای همجوار شامل روسیه، آسیای مرکزی و قفقاز، قرار گرفتن در مسیر کریدور شمال جنوب که این مسیر ۳ برابر از مسیر فعلی کوتاه‌تر و ارزان‌تر است، نزدیکی به بزرگ‌ترین ذخایر نفت و گاز دریای خزر، دسترسی به معادن سرب، روی و آهن، نزدیکی به ۵ نیروگاه برق، نزدیکی به فرودگاه بین‌المللی و نزدیکی به بنادر اروپایی.

جاده‌ها و راه‌های ارتباطی: ایران با ۹۸۰ کیلومتر مرز استراتژیک و قرار داشتن در مسیر انتقال ۷۵ درصد مخازن نفت و گاز جهان کوتاه‌ترین مسیر را در انتقال نفت و گاز دارا می‌باشد. همسایگی جمهوری اسلامی ایران با آسیای

مرکزی و دارا بودن مشترکات دینی، فرهنگی و تاریخی، نیاز این منطقه به استفاده از قلمرو ایران برای توسعه تجارت و ترانزیت همه و همه موقعیت ممتازی را برای این کشور فراهم آورده است که بسط روابط اقتصادی و سیاسی با این منطقه را تسهیل می‌کند، با استفاده از این موقعیت ایران می‌تواند در آینده به شریک بزرگ تجاری، ترانزیتی آسیای مرکزی تبدیل شود

کمیسیون اسکاپ در گزارش نهایی برای شبکه ارتباطی ایران جایگاه خاصی قایل شد و با اشاره به عوامل مهمی از قبیل وجود راه آهن مشهد - سرخس - تجن، تسهیلات پیشرفته بندری در بندرعباس و تجربیات غنی ایران در امر حمل و نقل و استاندارد بالای راه‌های ایران، این مسیر را مناسب‌ترین راه برای اتصال دو قاره آسیا و اروپا اعلام کرد.

راه آهن: به دلیل این که حمل و نقل و ارتباطات پیش زمینه هر نوع توسعه اقتصادی می‌باشند، جمهوری اسلامی ایران توجه ویژه‌ای به توسعه حمل و نقل و ارتباطات به ویژه از طریق راه آهن دارد. در این راستا ساخت راه آهن مشهد - سرخس برای خلق مسیر بین قاره‌ای جدیدی آغاز شد که آسیا را به اروپا متصل می‌کند. همچنین ساخت راه آهن امیرآباد (بندری در نزدیکی دریای خزر) این بندر را به اولین بندر مهم ایران تبدیل کرد که به شبکه راه آهن متصل شده بود. در عین حال ایران ساخت خط آهن کرمان - زاهدان را نیز آغاز کرد که راه آهن سرتاسری آسیا از طریق آن و نیز از طریق خط زاهدان مسیر جاوه (تفتان) و کوئته (پاکستان) به اروپا و خاورمیانه متصل خواهد شد.

روابط اقتصادی جمهوری اسلامی ایران با اعضای سازمان همکاری شانگهای

روابط ایران و روسیه: ایران و روسیه از دیرباز به دلیل مجاورت، علائق سنتی، تاریخی و استراتژیکی خاصی را نسبت به یکدیگر دنبال کرده‌اند. اما اینک شرایط نسبت به

گذشته تغییرات بسیاری کرده است. فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، ایران را به عنوان تنها پایگاه روسیه در غرب آسیا در آورده است. براین اساس ایران امکان دسترسی روسیه به بنادر موجود در آب‌های خلیج فارس و اقیانوس هند را فراهم می‌کند.

مناسبات جمهوری اسلامی ایران و روسیه که در چند سال گذشته به طور منظم روند رو به گسترشی داشته است در یک سال اخیر بر اساس خواسته رهبران دو کشور از تحرک بیشتری برخوردار شده و دورنمای روشنی را برای گسترش همکاری مشترک و بزرگ دو کشور در منطقه فراهم آورده است. حجم مبادلات تجاری میان ایران و روسیه در حال حاضر به ۳ میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلار می‌رسد.

ایران و چین: روابط تجاری ایران و چین از سابقه کهن و تاریخی برخوردار است و زمانی که تجارت جهانی در حاشیه جاده ابریشم صورت می‌گرفته ایران و چین مبادلات بسیاری را داشته‌اند. افزایش همکاری با چین بخش دیگری از رویکرد مثبت و اقتصادی ایران در آسیا است.

در سال‌های اخیر حجم مبادلات تجاری ایران و چین افزایش چشمگیری داشته است به نحوی که این مبادلات از ۴۰۰ میلیون دلار در سال ۱۹۹۴ به ۲۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۸ رسیده است که بر این اساس، روند روابط اقتصادی ایران و چین در سال‌های اخیر به طور متوسط سالانه ۳۰ تا ۵۰ درصد رشد داشته که حاکی از اهمیت روابط و وجود فرصت‌های گوناگون برای توسعه آن است.

ایران و قزاقستان: هر چند که ایران شریک استراتژیک این کشور محسوب نمی‌شود، اما دو کشور همکاری دوجانبه را در زمینه‌های مختلف گسترش داده‌اند که حاکی از دیدگاه یکسان این دو کشور می‌باشد. قزاقستان

از نگاه رشد صنعت و کشاورزی برای ایران دارای اهمیت زیادی می‌باشد. ایران از قزاقستان گندم، محصولات نفتی و آهن آلات وارد می‌کند. قزاقستان نیز برای رشد همکاری‌های تجاری و اقتصادی با ایران تلاش می‌کند. حجم مبادلات تجاری قزاقستان با ایران در ۶ سال اخیر با ۵ برابر افزایش از ۴۰۰ میلیون به ۲ میلیارد دلار رسیده است.

ایران و ازبکستان: دو کشور موافقتنامه همکاری در زمینه‌های اقتصادی، تجاری، کشاورزی، حمل و نقل، نفت و گاز، ساختمان سازی، دارو سازی و امور بانکی امضا کرده‌اند. حجم معادلات تجاری دو کشور در سال ۲۰۰۸ میلادی به ۶۰۰ میلیون دلار رسید. در جریان دیدار رسمی اسلام کریم‌اف رئیس‌جمهوری ازبکستان به ایران در ماه ژوئن سال ۲۰۰۳، موافقتنامه همکاری در بخش حمل و نقل بین‌المللی به امضا رسید. با امضای این سند امکان دستیابی ازبکستان به بندرهای کشورهای عربی در خلیج فارس فراهم گردید. اکنون ازبکستان از طریق بندر عباس و خلیج فارس کالا و محصولات خود را به کشورهای خلیج فارس صادر می‌کند. ایران نیز با استفاده از قلمرو ازبکستان کالاهای خود را به کشورهای آسیای مرکزی و جامعه مشترک‌المنافع صادر کند.

ایران و قرقیزستان: همکاری‌های ایران و قرقیزستان در حال رشد می‌باشد. دو کشور موافقت‌نامه‌هایی در زمینه‌های حمل و نقل، گمرک، مسائل اقتصادی، تجاری، آموزش و پرورش، فرهنگ و جهانگردی، مبارزه با قاچاق مواد مخدر و جنایات سازمان یافته امضا کرده‌اند. دو کشور در زمینه مبادلات متقابل کالا و محصولات صنعتی و کشاورزی با هم همکاری دارند. شرکت‌های ایرانی در ساخت بزرگراه بیشکک، اوش، مشارکت داشتند. هر دو کشور تعهد کرده‌اند، میزان معاملات دو جانبه را سالانه صد میلیون دلار افزایش دهند.

ایران و تاجیکستان: تاجیکستان تنها کشور فارسی زبان در قلمرو پس از شوروی محسوب می‌گردد. ایران نخستین کشوری بود که پس از فروپاشی شوروی و استقلال تاجیکستان آن را به رسمیت شناخت و در ماه ژانویه سال ۱۹۹۲ میلادی نیز سفارت خود را در تاجیکستان افتتاح کرد.

در حال حاضر جمهوری اسلامی ایران سومین کشور سرمایه‌گذار در اقتصاد تاجیکستان پس از روسیه و چین می‌باشد. حجم مبادلات ایران و تاجیکستان در سال ۲۰۰۸ قریب به ۲۰۰ میلیون دلار بوده است.

ایران، پاکستان و هند: ایران برای پاکستان دروازه کشورهای خلیج فارس و اروپا می‌باشد و پاکستان هم می‌تواند برای ایران مسیر دستیابی به بازارهای آسیای مرکزی و چین باشد. جمهوری اسلامی ایران در تلاش است با سرمایه‌گذاری در زمینه منابع انرژی و ایجاد انگیزه‌های قوی، تا حد امکان همکاری‌های بین دولتی و روابط دو جانبه را تقویت کند. منابع آگاه پیش‌بینی کرده‌اند همکاری ایران و پاکستان در زمینه انرژی می‌تواند ارزشی بالغ بر ۶۰ میلیون دلار داشته باشد. احداث شبکه انتقال برقی به طول ۱۰۰ کیلومتر برای واردات یکصد مگا وات برق از ایران، برگ دیگری از همکاری اقتصادی ایران و پاکستان است.

روابط اقتصادی ایران و هند در سال‌های اخیر در حدود ۱۲ میلیارد و ۸۹۶ میلیون دلار می‌باشد که کمتر از ۲ درصد آن به مبادلات غیر نفتی تعلق دارد. در حال حاضر هند با کمبود انرژی مواجه است این در حالی است که ایران در این زمینه غنی بوده و زمینه همکاری دو طرف و گسترش آن کاملاً فراهم است.

میان هند، ایران و پاکستان در سال ۲۰۰۷ قراردادی در خصوص انتقال گاز از ایران به هند و پاکستان تحت عنوان خط لوله صلح منعقد گردید. طرح انتقال گاز ایران

به شبه قاره، حدود ۲۷۰۰ کیلومتر طول دارد که ۱۱۱۵ کیلومتر در ایران، ۷۰۵ کیلومتر در پاکستان و ۸۵۰ کیلومتر آن در هند خواهد بود. طرح خط لوله مذکور در ماه‌های اخیر از مهم‌ترین مباحث روز منطقه و جهان بوده است. تلاش اخیر برای نهایی شدن قرارداد خط لوله صلح بین ایران و پاکستان از جمله مصادیق دیگر رویکرد مثبت اقتصادی ایران است.

جمع‌بندی

همان طور که اشاره شد جمهوری اسلامی ایران از مزیت ژئوپلیتیکی منحصر به فردی بهره می‌برد و کشوری است قدرتمند در همسایگی آسیای مرکزی که از سویی از وابستگی و پیوستگی فرهنگی و اقتصادی لازم با این منطقه برخوردار است و از سوی دیگر با دارا بودن موقعیت ژئوپلیتیک ویژه می‌تواند برای کشورهای منطقه یک مسیر ترانزیتی مناسب باشد که از طریق خطوط لوله و شاهراه‌های نفت، گاز و کالاهای آسیای مرکزی راه، از طریق کوتاه‌ترین، امن‌ترین و اقتصادی‌ترین راه به مقصد برساند.

ایران کانون انرژی منطقه و عامل پیوند خلیج فارس، دریای خزر، آسیای مرکزی و خاورمیانه می‌باشد. اگرچه بحث صدور انرژی از منطقه تحت تأثیر روابط ایران و آمریکا قرار گرفته است. اما منطقه آسیای مرکزی به هیچ وجه نمی‌تواند از توان ترانزیتی ایران صرف‌نظر نماید.

ایران نقش کلیدی در شاهراه‌های موجود منطقه یعنی جاده ابریشم، راه آهن سراسری آسیا، تراسیکا و کریدور شمال و جنوب دارد. اقتصاد ایران و آسیای مرکزی می‌توانند مکمل یکدیگر باشند.

حضور همزمان روسیه و چین در سازمان همکاری شانگهای و عضویت کامل ایران می‌تواند به کارآمدی بیشتر این سازمان کمک نماید.

عضویت ایران در این سازمان می‌تواند گستره وسیعی از خاورمیانه و خلیج فارس را در قالب یک سازمان به هم پیوند دهد و برای آن موقعیت ژئواستراتژیک ویژه‌ای فراهم نماید.

این امر همچنین متضمن امنیت انرژی جهانی می‌باشد. بنابر این، جایگاه ژئواستراتژیک ایران در کنار منابع غنی آن، توانمندی‌های اقتصادی سازمان را به‌طور قابل ملاحظه‌ای افزایش می‌دهد و سازمان همکاری شانگهای را به مقتدرترین پیمان جهانی که قادر به برقراری ثبات در آسیای مرکزی، جنوبی و جنوب غربی است تبدیل می‌کند. این امر به نوبه خود، کل منطقه را به نیروگاهی از منابع انرژی تبدیل می‌نماید.

علاوه بر این ایران می‌تواند وزن تأثیرگذاری سازمان شانگهای را به نحو قابل توجهی در تحولات خلیج فارس و غرب آسیا و بازار انرژی در جهان افزایش دهد، چرا که ایران پل ارتباطی آسیای مرکزی با خلیج فارس و غرب آسیا هم به لحاظ خطوط ارتباطی برای حمل و نقل کالا و انرژی و هم به جهت استراتژیک و نظامی با اهمیت زیاد می‌باشد. پس اگر بر محوریت نقش عوامل تأکید شده و به ویژه انرژی توجه کنیم، به این نتیجه خواهیم رسید که عضویت ایران، سازمان همکاری‌های شانگهای را از نظر توان اقتصادی به مراتب تقویت خواهد کرد.

پروین معظمی‌گودرزی

مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز